

وقتی هلال احمر خط مقدم انسانیت شد

جنگ ۴۰ روزه تنها میدان نبرد نبود؛ شهری ویران و مردمی مضطرب نیز نیازمند نجات بودند. این گزارش روایتی از عملیات‌های گسترده، آمار امداد و نقش داوطلبانی است که امید را زنده نگه داشتند

جامعه ایفا کرد. البته بهای این حضور نیز سنگین بود؛ آسیب جدی به ۲۰ مرکز امدادی، ۴۹ خودرو عملیاتی و مجروحیت ۱۸ امدادگر. شهادت چهار تن از نیروهای هلال احمر، یادآور این حقیقت است که انسانیت در میدان جنگ نیز هزینه می‌دهد، اما همچنان پابرجا می‌ماند.

نیروی دل‌ها

جایگاه داوطلبان هلال احمر در لحظه‌های بحرانی، فراتر از یک حضور اجرایی است؛ اینان نمایندگان قلب تپنده نهادهی‌اند که اعتماد عمومی را نه با شعار، بلکه با عمل پیوسته و بی‌ادعا به دست آورده‌اند. خاستگاه مردمی هلال احمر، پشتوانه‌ای تاریخی ایجاد کرده که در جنگ تحمیلی دوم و سوم بار دیگر معنا یافت. ساختار شبکه‌ای این جمعیت، همراه با تجربه انباشته در مواجهه با زلزله، سیل و دیگر بحران‌های ملی، سبب شده تا در شرایط جنگی نیز با انسجام و سرعتی مثال‌زدنی عمل کند. همین ذخیره تجربه و استقلال نسبی از جریان‌های سیاسی، چهره‌ای بی‌طرف و انسان‌محور از هلال احمر ساخته است؛ چهره‌ای که در حافظه جمعی مردم، با صداقت، فداکاری و همراهی عجین شده است. فضاهای مجازی این روزها سرشار از تصاویری است که از میدان جنگ به دست رسیده؛ تصاویری که روایت‌های رسمی را تکمیل می‌کنند. امدادگری که بی‌وقفه در لابه‌لای آوار به دنبال نشانه‌ای از حیات می‌گردد، داوطلبی که در دل دود و خاک، بسته‌های غذا را میان خانواده‌های آواره توزیع می‌کند؛ یا تیمی که با آرامشی اندوهبار، پیکر قربانیان را جابه‌جا می‌سازد. این‌هاها بیش از هر عدد و آماری، جوهره اعتماد عمومی به هلال احمر را شکل می‌دهد. مردم، در سخت‌ترین لحظه‌ها، این نیروها را در کنار خود دیده‌اند؛ حقیقتی که سرمایه اجتماعی این جمعیت را تقویت کرده است.

چالش‌ها در این مسیر اندک نبود. محدودیت منابع، دشواری دسترسی به مناطق زیر آتش، فشار کاری بی‌وقفه و تهدیدهای امنیتی، بخشی از واقعیت ۴۰ روز نفس‌گیر بود. با وجود این فشارها، حضور داوطلبان در کنار نیروهای ثابت سازمان، شکلی از همبستگی اجتماعی را رقم زد که کمتر نهادهی قادر به ایجاد آن است. داوطلبان، نه بر پایه وظیفه‌اداری، که بر اساس تعهدی درونی و ایمان به ارزش کمک‌رسانی قدم در میدان گذاشتند. در پایان این چهل روز، هرچند زخم‌ها بر پیکره شهرها باقی ماند، اما روشنی نقش هلال احمر در کاهش آلام مردم انکارناپذیر است؛ نهادهی که فراتر از امداد رسانی، شعله امید و همدلی را در دل جامعه زنده نگه داشت.



از زیر سازه‌های فرو ریخته تنها یک عدد نیست؛ نشانه‌ای است از هماهنگی، مهارت و از خودگذشتگی نیروهایی که در سخت‌ترین لحظه‌ها ایستادند. در کنار عملیات‌های نجات، انتقال بیش از هفت هزار مجروح به مراکز درمانی و ارائه خدمات سرپایی به بیش از ده هزار نفر، بعد دیگری از این حضور سازمان یافته را آشکار می‌کند. تیم‌های آتست نیز در یک هزار و ۷۱۱ مأموریت جست‌وجو از فناوری‌های نوین زنده‌یاب بهره بردند تا کوچک‌ترین نشانه حیات را در دل ویرانی شناسایی کنند؛ تلاشی که گاه ساعت‌ها بدون وقفه ادامه می‌یافت. گستره عملیات‌ها، از تهران با بیشترین تعداد مأموریت تا استان‌هایی چون هرمزگان، خوزستان و اصفهان، نشان می‌دهد چگونه این شبکه ملی در لحظه‌های حساس فعال شد و با همه ظرفیت در میدان ماند.

در جبهه‌ای دیگر، پاسخ‌گویی مشاوران جوان هلال احمر به بیش از ۱۵۲ هزار تماس مردمی از طریق سامانه ۴۰۳۰، هر یک حامل روایتی عمیق از کوشش برای غلبه بر مرگ و بازگرداندن حیات به میان آوار بود. نجات ۷ هزار و ۲۱۵ نفر

دست می‌دهد. هشت ماه مه، روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر، بهانه‌ای شد تا با نگاهی تحلیلی و مستند، به این ۴۰ روز بازگردیم؛ به روزهایی که هلال احمر نه فقط مرهم‌گذار زخم‌ها، که حافظ اعتماد و امید در قلب جامعه بود.

چهره اعداد

آمارهای ثبت‌شده در روزهای پرتلاطم جنگ ۴۰ روزه، تصویری روشن از گستره تلاش‌هایی ترسیم می‌کند که برای حفظ جان انسان‌ها در دل ناامنی انجام شد. گزارش رسمی جمعیت هلال احمر نشان می‌دهد چگونه شبکه‌ای گسترده از امدادگران و تیم‌های تخصصی، شبانه‌روز در میدان بحران ایستادند و عملیاتی انسانی را پیش بردند که مقیاس آن فراتر از یک اقدام امدادی معمول بود. بیش از شش هزار عملیات امداد و نجات در سراسر مناطق درگیر ثبت شد؛ مأموریت‌هایی که هر یک حامل روایتی عمیق از کوشش برای غلبه بر مرگ و بازگرداندن حیات به میان آوار بود. نجات ۷ هزار و ۲۱۵ نفر

جنگ، مرز جغرافیا و میدان نبرد را در هم می‌شکند و زندگی روزمره مردم را به صف مقدم بحران بدل می‌کند؛ جایی که خانه، خیابان و بیمارستان، هر یک صحنه‌ای از مقاومت و رنج می‌شود. میان این همه، نهادهی قد علم می‌کند که مأموریتش فتح خاک نیست، پاسداری از جان است. آن‌جا که آذرها به صدا درآمد و نخستین موج حملات جنگ ۴۰ روزه شهرها را لرزاند، جمعیت هلال احمر، بی‌هیاهو اما سازمان‌یافته، خط مقدم انسانیت را شکل داد؛ با فعال‌سازی مرکز عملیات اضطراری، اعزام تیم‌های ارزیاب به کانون‌های آسیب، حضور گسترده نیروهای امدادی، داوطلبان و تیم‌های تخصصی، و رسیدن به صحنه حادثه در زمانی کمتر از نرم بین‌المللی. انتخاب موضوع این گزارش از دل همین واقعیت برآمده است؛ از ضرورت ثبت روایتی که در آن آمار عملیات امدادی، نجات جان هزاران نفر از زیر آوار، مشاوره‌های روان‌شناختی گسترده به شهروندان دچار تروما، و حتی شهادت امدادگران، در کنار هم تصویری کامل‌تر از نقش هلال احمر در جنگ رمضان به

۶۶

شبکه گسترده امدادگران و داوطلبان، با سازماندهی دقیق و واکنش سریع، نشان دادند انسانیت می‌تواند در سخت‌ترین میدان‌ها نیز نظم، امید و کارآمدی بیافریند

شبکه داوطلبان؛ پشتوانه عملیات امدادی

سخنگوی هلال احمر می‌گوید گسترش شبکه داوطلبان، تقویت آموزش‌ها و ساماندهی ظرفیت‌های مردمی به یکی از محورهای اصلی برنامه‌های امدادی پس از جنگ تبدیل شده است

عمومی به جمعیت هلال احمر است. در بسیاری از صحنه‌های امداد رسانی، شهروندان به‌صراحت می‌پرسیدند چگونه می‌توانند به جمع داوطلبان بپیوندند و سهمی در خدمت‌رسانی داشته باشند. کوشیدیم این سرمایه اجتماعی را سامان دهی کنیم و بستر حضور هدفمند مردم را فراهم آوریم. با وجود آنکه حدود ۲۵ درصد از نیروهای آماده ما درگیر عملیات میدانی بودند، مسیر جذب داوطلبان جدید را متوقف نکردیم. در سازمان داوطلبان، زیرساخت‌هایی ایجاد شد تا افراد بتوانند مهارت‌ها و توانمندی‌های خود را ثبت و اعلام کنند و بر اساس نیازهای عملیاتی، به‌صورت نظام‌مند وارد چرخه خدمت شوند. این رویکرد، افزون بر تقویت توان امدادی، به نهادینه‌شدن فرهنگ کار داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز یاری رساند.

این مشارکت چه تأثیری بر جامعه دارد؟

تأثیر مشارکت داوطلبان در هلال احمر، ابعادی گسترده و مستقیم دارد. هنگامی که جوانان ما در عرصه‌های خدمت‌رسانی انسانی و خطر فعالیت می‌کنند، این روحیه و تجربه به کانون خانواده‌هایشان نیز تسری می‌یابد. وقتی خانواده‌ها شاهد مشارکت فرزندان خود در امری خداپسندانه و نجات‌بخش هستند، این خود به‌مثابه ترویج عملی فرهنگ کمک به هم‌نوع و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که به‌تدریج در تار و پود جامعه گسترش می‌یابد و نسلی آگاه‌تر و همدل‌تر را پرورش می‌دهد.

یکی از اقدامات مهم هلال احمر در این دوره، ارائه خدمات روانی بوده است. در این باره توضیح می‌دهید؟

در این مقطع، تیم‌های «سحر» یا حمایت‌های روانی-اجتماعی را به‌طور فعال وارد میدان کردیم. مأموریت این تیم‌ها در دوسلط تعریف شد؛ نخست، حضور میدانی در مناطق آسیب‌دیده با هدف آرام‌سازی فضا، کاهش تنش‌ها و کمک به مدیریت هیجانات روانی افراد. دوم، ارائه خدمات مشاوره‌ای غیرحضور از طریق سامانه ۴۰۳۰ که در آن روان‌شناسان و روان‌پزشکان داوطلب به‌صورت مستمر پاسخ‌گوی مردم بودند.

محل حادثه میانگینی در حدود ۸ تا ۶ دقیقه در نظر گرفته می‌شود و دستیابی به زمان ۶ دقیقه، در بسیاری از نظام‌های امدادی جهان، عملکردی ایده‌آل تلقی می‌شود. با این حال، به‌واسطه استقرار مناسب پایگاه‌ها و پراکندگی حساب‌شده نیروهای امدادی هلال احمر در سطح شهرها، در بسیاری از مأموریت‌ها توانستیم در زمانی کمتر از ۴ دقیقه در محل حادثه حاضر شویم. این مزیت عملیاتی، نه تنها نشان‌دهنده آمادگی و چابکی شبکه امدادی جمعیت است، بلکه در لحظات سرنوشت‌ساز، نقشی تعیین‌کننده در کاهش خسارات و افزایش احتمال نجات جان مصدومان ایفا می‌کند.

نیروهای امدادی هلال احمر در صحنه حادثه چه اقداماتی انجام می‌دهند؟

فرایند عملیات امدادی از ارزیابی اولیه صحنه آغاز می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن شرایط محیط، میزان خطر و وضعیت مصدومان به‌دقت بررسی می‌شود تا تصمیم‌گیری‌ها با بیشترین سرعت و دقت انجام گیرد. پس از آن، عملیات جست‌وجو و نجات تخصصی آغاز می‌شود؛ عملیاتی که با بهره‌گیری از تیم‌های سگ‌های زنده‌یاب، رادارهای تخصصی و تجهیزات جست‌وجوی پیشرفته دنبال می‌شود. در ادامه، آواربرداری سبک، دسترسی به افراد محبوس، خارج کردن مصدومان و انتقال پیکر شهدا انجام می‌گیرد و در نهایت مصدومان برای دریافت خدمات درمانی به مراکز درمانی منتقل می‌شوند. همه این مراحل در هماهنگی نزدیک با نیروهای اورژانس و دیگر دستگاه‌های امدادی صورت می‌گیرد تا روند امداد رسانی با بیشترین انسجام و کارآمدی پیش برود.

میزان مشارکت داوطلبان در این جنگ چگونه بود و چه اقداماتی در این زمینه انجام شد؟

در جریان جنگ ۱۲ روزه، حدود ۷۰ هزار داوطلب به‌صورت تخصصی در حوزه امداد و نجات فعال بودند؛ ظرفیتی انسانی که در مرحله بعد به ۱۱۰ هزار نفر افزایش یافت. این رشد چشمگیر، نشانه‌ای روشن از تقویت اعتماد

مجتبای خالدي، سخنگوی جمعیت هلال احمر، در گفت‌وگو با آتیه‌نو از دوره‌ای تازه در برنامه‌ریزی امدادی پس از جنگ ۱۲ روزه سخن می‌گوید؛ دوره‌ای که به گفته او با رجوع فوری به «درس آموخته‌ها» آغاز شد. خالدي تأکید می‌کند بازتعریف آموزش‌ها، تقویت تجهیزات، افزایش سرعت واکنش و گسترش مشارکت مردمی در دستور کار قرار گرفت؛ مسیری که هم‌زمان با رشد داوطلبان، نشانه‌هایی از تقویت اعتماد عمومی نیز پدیدار کرده است.

بعد از پایان جنگ ۱۲ روزه، جمعیت هلال احمر چه اقداماتی برای ارزیابی عملکرد خود انجام داد؟

بلافاصله در روز سیزدهم پس از پایان جنگ، سلسله‌جلسات «درس آموخته» را برگزار کردیم؛ نشست‌هایی که در آن همه ابعاد کار ارزیابی شد-از نقاط قوت و ضعف تا تهدیدها و فرصت‌هایی که پیش رو داشتیم. واقعیت این است هلال احمر، همان‌طور که از نامش برمی‌آید، بر حضور مردم و اتکای داوطلبان استوار است و اساسنامه‌اش بر خدمت بی‌قید و بشردوستانه تأکید دارد. این روحیه در میان نیروهای داوطلب ما بسیار زنده و اصیل است. به همین اعتبار، تلاش کردیم با تکیه بر همین ظرفیت انسانی، نقاط قوت را سامان دهی و ضعف‌ها را به‌صورت هدفمند برطرف کنیم. محورهای تمرکز ما در این ارزیابی‌ها مشخص بود: آموزش‌های تخصصی و بازآموزی داوطلبان، ارتقای سطح تجهیزات و امکانات، بهبود پراکندگی تیم‌های امدادی در سطح شهرها و کاهش زمان رسیدن به محل حادثه. در کنار این‌ها، هماهنگی میان تیم‌ها را به‌گونه‌ای تقویت کردیم که در هر رخداد، همه واحدهای امدادی با هم و در قالب یک ساختار منسجم وارد عمل شوند -تجربه‌ای که در میدان‌های واقعی، بارها به‌عنوان نقطه عطف در کارآمدی عملیات به چشم آمده است.

زمان رسیدن نیروهای امدادی هلال احمر به محل حادثه در جنگ اخیر چه میزان بوده است؟

در استانداردهای جهانی، زمان مطلوب برای رسیدن تیم‌های امدادی به

یادداشت
N E W S



عرشیا فرهنگ

داوطلب هلال احمر

باور مشترک در لحظه‌های سخت

مسیر هلال احمر برای بسیاری از فعالانش با تصمیم‌های بزرگ و لحظه‌های نمایشی آغاز نشده است؛ اغلب از یک مواجهه ساده در دل زندگی روزمره شکل گرفته است. گاهی کنجکاو ی کودک کانه، پرسشی کوتاه یا قدم گذاشتن به ساختمانی که تنها نامش به‌عنوان نهادهی امدادی شنیده شده، سرآغاز مسیری می‌شود که سال‌ها بعد به هویت فردی و اجتماعی گره می‌خورد. هلال احمر پیش از آنکه یک سازمان باشد، تجربه‌ای زیسته است؛ تجربه‌ای که حادثه و جنگ، ترس و امید، و مهم‌تر از همه حس از خودگذشتگی را در کنار هم قرار می‌دهد و به معنایی پایدار از خدمت بدل می‌کند. بسیاری از کسانی که در این مسیر قدم گذاشته‌اند، بعدها درمی‌یابند همان لحظه ساده ورود، در واقع نقطه آغاز مسئولیتی بزرگ‌تر بوده است. ورود به این مسیر معمولاً با آموزش‌های اولیه آغاز می‌شود و به تدریج به میدان عملیات می‌رسد، اما آنچه در حافظه امدادگران ماندگار می‌ماند، صرفاً سختی‌ها نیست.

واکنش مردم، سرمایه‌ای است که هلال احمر را زنده نگه می‌دارد. لحظه‌ای که در میانه حادثه، با دیدن لباس امداد، جمله‌ای ساده بر زبان می‌آید؛ «بچه‌های هلال احمر رسیدند»، همین جمله کوتاه نشانه‌ای از اعتماد عمومی است و اعتماد، مهم‌ترین پشتوانه نهادهی است که مأموریتش نجات جان انسان هاست. این پیوند عاطفی میان مردم و امدادگران، نیرویی ایجاد می‌کند که خستگی و فشار عملیات را قابل تحمل می‌سازد و انگیزه ادامه مسیر را در دل نیروها زنده نگه می‌دارد. صحنه‌های عملیات سرشار از تصویرهایی است که به آسانی از ذهن پاک نمی‌شوند؛ خانه‌هایی که فرو ریخته‌اند، کوچه‌هایی که راه عبور تجهیزات سنگین را می‌بندند و تصمیم‌هایی که باید در چند ثانیه گرفته شوند. گاهی ابزارهایی که برای عملیات کوهستان طراحی شده‌اند، در دل شهر برای انتقال مصدومان به کار می‌آیند و نجات یک انسان مننایی فراتر از موقعیت عملیاتی پیدا می‌کند. در کنار این تجربه‌ها، لحظه‌هایی نیز وجود دارد که انسانیت خود را آشکارا نشان می‌دهد؛ خانواده‌ای که همه چیز را از دست داده، اما همچنان می‌کوشد نشانی از قدردانی ارائه کند. این صحنه‌ها یادآور آن است که حتی در میانه بحران و ویرانی نیز کرامت انسانی خاموش نمی‌شود. امدادگری البته فقط روایت لحظه‌های امیدبخش نیست. خطر همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از این مسیر است؛ از گرفتار شدن زیر آوار و آسیب‌های جسمی تا حضور در شرایطی که حتی نیروهای امدادی نیز از آسیب در امان نیستند. چنین تجربه‌هایی هراس‌آور است و اثر آن تا مدت‌ها در ذهن باقی می‌ماند، اما مانع ادامه راه نمی‌شود. بسیاری از امدادگران با وجود جراحت‌ها یا فشارهای روحی، دوباره به میدان بازمی‌گردند؛ نه صرفاً از سر وظیفه‌اداری، بلکه به دلیل تعهدی درونی که خدمت به مردم را معنایی عمیق می‌بخشد. هلال احمر در نهایت فقط یک سازمان امدادی نیست؛ مسیری است برای ایستادن کنار انسان‌ها در دشوارترین لحظه‌های زندگی، جایی که میان آوار و ترس، هنوز می‌توان به امید و انسانیت اندیشید.